

جادوی زمان

(۷)

می‌خورد: این طلاکاری زمینه و تپه‌ها از کمیته دولت است.^۷ امضای وی در برخی

۱ - نگاه کنید به Indian Drawing, Clarke شماره‌های ۹ و ۱۰ و ۱۱.
۲ - گراور شماره ۳۹ در Kuhnelt & Geitz: Indian Book Painting.

۳ - فعلاً در دو کاتالگ سوت پای که معرف نقاشیهای مجموعه اردشیر هستند فقط يك اثر از بالچند معرفی شده: شماره ۱۹ از کاتالگ مورخ جولای ۷۳ که پرتره يك افسر مغول است. ۴ - در مرقع گلشن ۳ اثر از بالچند هست. شماره ۲ سه شاهزاده تیموری که نشسته‌اند: اکبر در وسط و جهانگیر - و شاه جهان در دو طرفش، اعتمادالدوله در طرف چپ و آصف خان در طرف راست ایشان ایستاده‌اند کار مشابه این اثر از همین هنرمند یکی پرتره شاه جهان است (نگاه کنید به IX. Wantage Collection) و یکی پرتره پسران شاه جهان: شاه شجاع اورنگ‌زیب و مرادبخش که I. Stchoukin در La peinture Indian خود آنرا گراور کرده است این اثر متعلق است به موزه ویکتوریا و آلبرت لندن و کامبلی نیز تحت شماره ۶۲ شهرهای مغولی هند آنرا آورده است.

دکتر مهدی غروی

پرتره اکبر و پسرش نورالدین محمد (جهانگیر) و دیگری شبیه اعتمادالدوله وزیر بزرگ جهانگیر و پدر نور جهان.^۴

- ۴۶ -

نام دولت نیز برای هنرشناسان ایران ناشناخته نیست شیخ دولت بزرگ (کلان) از نقاشان معروف مکتب اکبر است که مسلمان و از مردم مشرق ایران بوده است وی نیز از خاندانان عهد جهانگیر بشمار می‌رود در آخرین برگ و پایان کتاب خمسه نظامی دیس‌پرین تصویر این هنرمند و عبدالرحیم عنبرین قلم خطاط معروف این دوره کشیده شده است که هر دو نفرشان در تهیه این کتاب سهم بسزایی داشته‌اند^۵ و شاید دولت علاوه بر نقاشی متن عهده‌دار طلاکاری و تذهیب این نسخه نیز بوده است. در آلبوم جهانگیر موزه جنوب کنزینکتون وی علاوه بر کشیدن چهره عنایت خان مسئول نقاشی خودش نیز بوده است^۶ در مرقع گلشن يك نقاشی هست که قسمتی از آن آسیب دیده و خراب شده و سپس توسط این هنرمند ترمیم شده است زیرا در ذیل آن این عبارت به چشم

- ۴۵ -

بالچند هنرمند دیگر عهد جهانگیر نیز در دوران امپراتوری اکبر وارد نقاشخانه شد، در عصر جهانگیر مهارت یافت و در عصر شاه جهان بعد از اعلائی شهرت و استادی رسید. در مرقع معروف جهانگیر متعلق به موزه کنزینکتون دو نقاشی از وی هست یکی کوچک از امیری از امرای دربار و دیگری از امپراتور شاه جهان که متعلق است به چند سال بعد از تاجگذاری وی که معلوم می‌شود بعدها آنرا به این آلبوم ملحق ساخته‌اند^۱ در مرقع جهانگیر برلن همراه با گواردهان نقاشیهای حاشیه از وی زیاد می‌بینیم که در یکی از آنها امضای وی وجود دارد: بالچند مصور جهانگیر پادشاه عادل.^۲

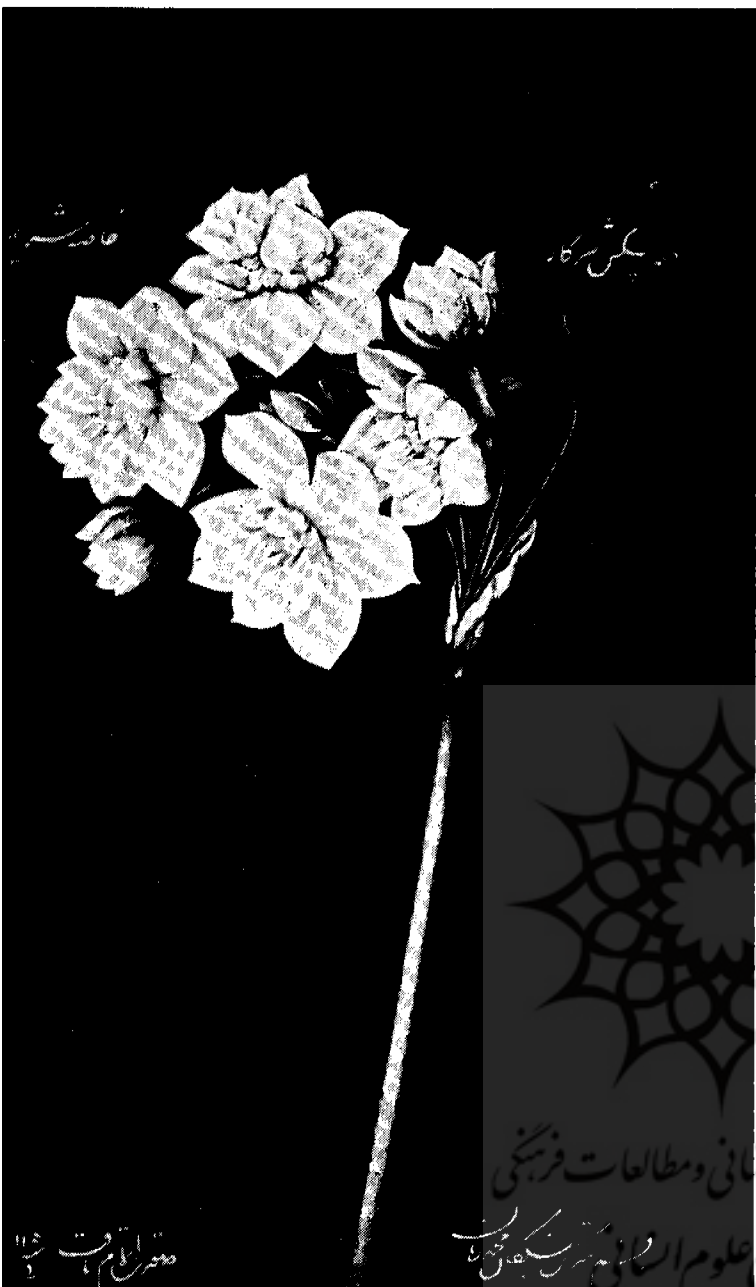
در مرقع جهانگیر اردشیر يك پرتره کار بالچند وجود داشت همینطور در مرقع شاه جهان وی هم يك پرتره از سر و صورت جهانگیر گنجانده شده بود.^۳ در مرقع شاه جهان گورگیان از وی هفت اثر هست که باید دید و قضاوت کرد که از مکتب جهانگیرند یا شاه جهان دست کم دو اثر از این هفت اثر جهانگیری هستند یکی

شماره ۱۹: پرتره مردی که ایستاده است و روی دامن لباس وی نوشته شده: شبیه باقرخان نجم ثانی عمل بالچند و روی شمشیرش: یا فتاح باغلی، باقرخان دوست و مشاور جهانگیر و شوهر خدیجه خانم خواهر نور جهان بود تاریخ اجرا ۱۰۳۱ (۱۶۲۰). شماره ۴۱ سیاه قلمی است که در حدود ۱۰۴۱ (۱۶۳۰) ساخته شده و شاید تصویر شاه شجاع و همسرش باشد.

۵ - عبدالرحیم عنبرین قلم - اصلاً اهل هرات بود و دست‌پرورده خان خانان، از کاتبان دربار جهانگیر که ابتدا باین لقب و سپس به لقب روشن‌رقم مباحی شد و خود را جهانگیر شاهی نیز خطاب می‌کرد یکی از آثار معروف وی يك نسخه جهانگیرنامه است در کتابخانه سلطنتی تهران و قطعاتی بسیار، مجزا و در جزو مرقعهای مختلف از جمله مرقع گلشن نگاه کنید به ص ۳۸۹/۹۱ جلد دوم نستعلیق نویسان دکتر مهدی بیانی.

۶ - گراور شماره ۱۷ در اثر معروف Clarke نقاشیهای هند.
۷ - شماره ۹۵ در

Persian Miniature Paintings:
Binyon, Wilkinson and Gray.



اثری از محمد زمان که صدسال پس از دوران جهانگیر در اصفهان تهیه شده و نشان‌دهنده رواج و تکامل نقاشی گلها در ایران است سال اتمام ۱۱۰۵ (۱۶۹۳) این نقاشی به آکادمی علوم شوروی در لنینگراد تعلق دارد.



نقاشی گلها از ابتکارات نقاشان هندی بود اما در ایران تکامل بیشتر یافت و در اواخر دوران صفوی به اوج رسید. تصویر بالا در سال ۱۱۱۴ (۱۷۰۰) توسط حاجی محمد در اصفهان کشیده شده است و به مجموعه محفوظ در آکادمی علوم شوروی، لنینگراد تعلق دارد.

از نقاشیهای حاشیه نیز هست در مرقع جهانگیر اردشیر اثری از دولت وجود ندارد.^۸

- ۴۷ -

هنرمند دیگر عصر اکبر ناناها Nanha می باشد یکی از کارهای وی را ما در انوار سهیلی لندن بشماره ۲۵ مشاهده می کنیم که در آن شیر وزن بیوفا و شاهزاده مجسم شده اند، در موزه کلکته از وی پرتره ای هست که با احتمال قوی سوراچ مال سردار معروف عهد بابریان نخستین است و بدون شك ورقی بوده است از یکی از مرقع های معروف جهانگیر.^۹

در مرقع گلشن موزه گلستان تهران تصویر دو شیر در حال دعوا وجود دارد که این نقاش کشیده و در حقیقت کپیهای است از کار بهزاد در سنین خیلی بالا، بیشتر از ۷۰. جهانگیر در گوشه این تصویر بخط خودش نوشته است که این نقاشی را ناناها به امر وی، از روی کار بهزاد در سال ۱۰۱۹ (۱۶۰۹) کشیده است.^{۱۰} ناناها از لحاظ ریزه کاری و تجسم خصوصیات موضوع بی نظیر بوده است در موزه جنوب کنزینکتن لندن در آلبوم شاهجهان پرتره ای از ذوالفقار خان ترکمن وجود دارد که شاهزاده خرم (شاه جهان) در گوشه ای از آن نوشته است: این یکی از بهترین خادمان من بود، در مجموعه گورکیان سه اثر از وی هست یکی از جوانی و شاهزادگی جهانگیر یکی از رانا کاران فرزند رانا عمارسینک سردار عهد اکبری و سومی از سید سیف خان پسر برادر نور جهان.^{۱۱}

- ۴۸ -

نقاش دیگر مکتب جهانگیری بابری میرهاشم است که شاهکارهای مهم وی متعلق به عصر شاه جهان اند، در مرقع شاه جهان جنوب کنزینکتن لندن دو پرتره بقلم وی هست یکی تصویر محمد قطب

شاه حکمران گلکنده (۱۰۲۰ - ۹۸۹) (۱۶۱۱-۱۵۸۱) و دیگری تصویر ملک عنبر سردار حبشی دکن فوت ۱۰۳۶ (۱۶۲۶).^{۱۲}

در آلبوم شاه جهان چستریبیتی دو تصویر نیم تنه از جهانگیر بقلم وی هست.^{۱۳} در مرقع جهانگیر معروف موزه کنزینکتن يك نقاشی خوب از او هست که چشتی نشان می دهد، در مرقع شاه جهان گورگیان از وی شش اثر هست که بدون شك دواثر آن یکی پرتره عبدالرحیم خان است و دیگری تصویر محمد علی بیگ، فوت ۱۰۲۵ (۱۶۱۶) و متعلق است به عصر پیش از شاه جهان، مگر اینکه اینها را از روی اصل کپی کرده باشد. در نسخه خطی امیر خسرو دهلوی نیز اثری از وی هست.^{۱۴} در موزه لوور پاریس پرتره ای عالی از ملک عنبر حبشی هست^{۱۵} که از شاهکارهای بی نظیر میرهاشم محسوب می گردد.^{۱۶}

- ۴۹ -

بی چینی تر نیز يك نقاش درباری متعلق به عصر متأخر جهانگیر است. وی هنرمندی است مقتدر که در عصر بعد از جهانگیر درخشش بیشتر یافت. یکی از کارهای خوب وی تصویری

است که از يك فقیر (با احتمال قوی سانیاسی جادروب گای) در غار خودش و در حال صحبت با امپراتور. جهانگیر در کتاب خود باین مطلب یعنی مذاکره باین روحانی معروف که در حوالی اوجین می زیسته است اشاراتی دارد.^{۱۷}

۸- با وجود این در کاتالگ مورخ جولای سات بای تحت شماره ۹ تصویری هست که منسوب به دولت است و خطاطی پشت آن کار عبدالرحیم وحاشیه شماره ۴۱ نیز کار دولت است در مرقع گلشن اثری از دولت نیست.

۹- شماره ۶۰ در کتاب Henell: Indian Sculpture and Paintings.

۱۰- هر دو نقاشی اثر اصلی بهزاد و کپیها گراور آنها را در کتاب Persian Miniature Painting. شماره های ۱۳۲ و ۱۳۳ می توان دید.

۱۱- در دو مرقع اردشیر اثری از ناناها وجود ندارد و در مرقع گلشن تهران نیز به ترتیبی که خانم گدار در آثار ایران سال ۱۹۳۷ معرفی کرده اثری از وی نیست.

۱۲- اولی را Henell بعنوان نخستین نقاشی در کتاب خود Indian Sculpture and Painting گراور کرده است.

۱۳- یکی از آنها را در مجموعه Library of Mr. Chester Beetty.

تحت شماره ۱۲ بچاپ رسانده اند. ۱۴- شماره ۳۸ در Arnold and Grohman. The Islamic Book Painting. چاپ شده.

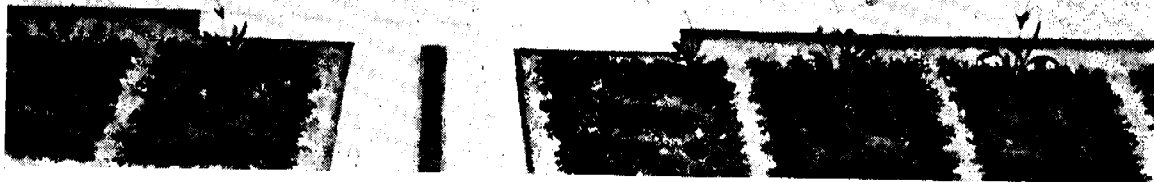
۱۵- شماره ۲۹ در کتاب اسچو کین.

←

اثری از نیمه قرن هفدهم، عصر شاهجهان که ملکه را باندیمه و سه زن هنرمند درباری نشان می دهد با احتمال تصویر بانوی تاج زوجه محبوب شاهجهان، مدفون در بنای تاج محل. در حالیکه نقاشیهای عصر اکبر فاقد هرگونه چهره زنانه است، در عصر شاهجهان مکتب نقاشی بابری چنان تحول یافت که زنان را با سینه های گشوده نشان می دادند و این اثر هنر هندی بود که تعصبی نظیر تعصب اسلامی در مورد حجاب زنان نداشت. این نقاشی به مرقع جهانگیر آکادمی علوم شوروی در لنینگراد تعلق دارد.



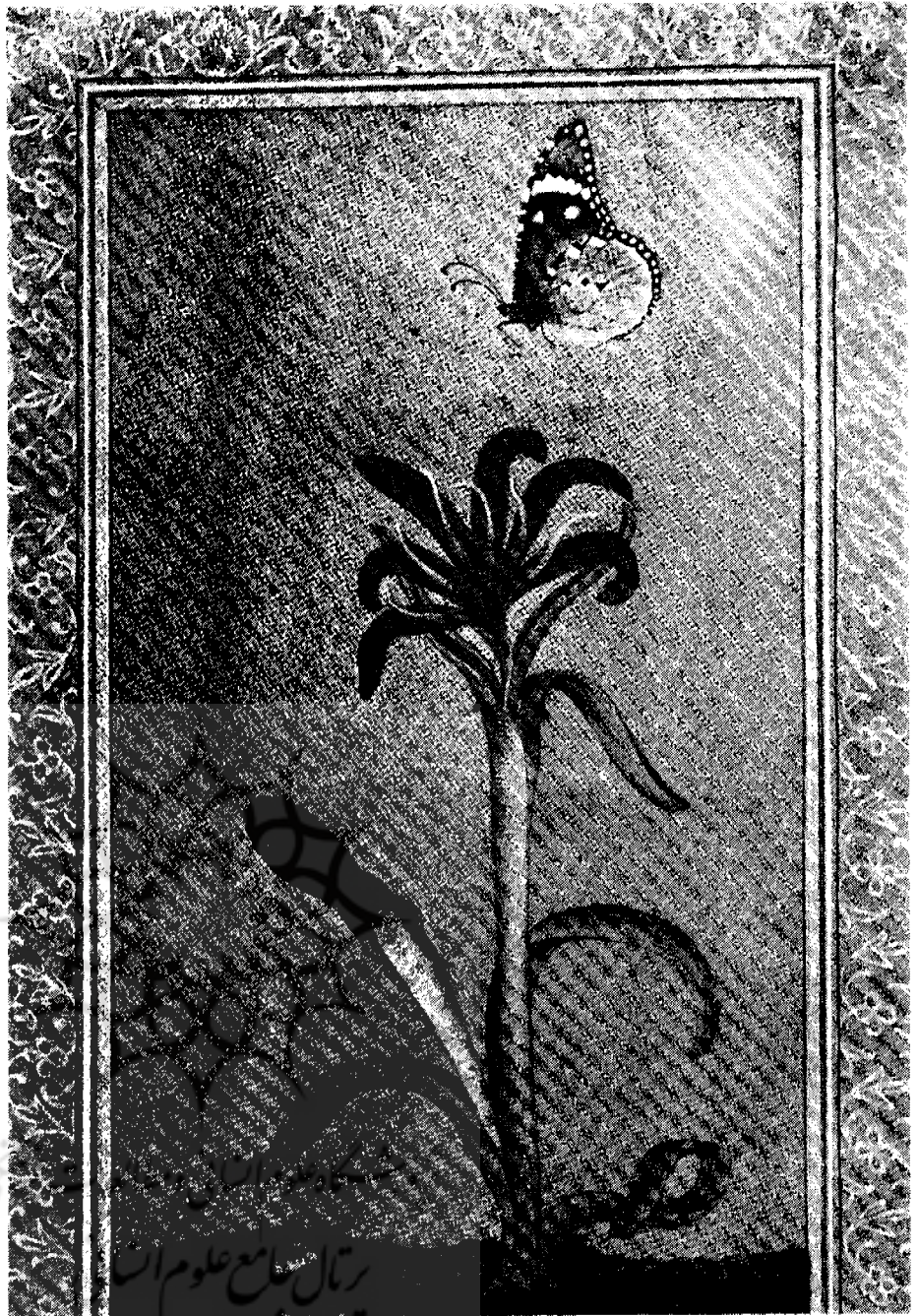
پال جامع علم ایران



در مجموعه اردشیر هم اثری از وی هست که رقص درویشان را مجسم ساخته و نظیر آن را نیز چاپ شده دیده‌ایم^{۱۸} بیشتر کارهای وی (امروز فقط هشت اثر) متعلق به مرقع شاه جهان بوده که میان چستریبتی و موزه جنوب کنزینکتن تقسیم شده است که همه در نوع خود عالی هستند و شاید دو یا سه فقره آن متعلق باین دوره باشد.

در مجموعه اردشیر از وی یک پرتره هم وجود داشت که از تربیت خان تهیه شده بود. تربیت خان سردار عهد جهانگیر بود که خواهرش صالحه بانو، فوت ۱۰۳۰ (۱۶۲۰) تا پیش از ملکه شدن نور جهان بالقب پادشاه محل بانوی اول حرم جهانگیر بود. این بدون شك یکی از بهترین تصاویر مرقع جهانگیر اردشیر است که استادی و مهارت بی‌چی‌تر را در نقاشی اعضای انسانی، رنگ‌آمیزی و تجسم خصوصیات اخلاقی نشان می‌دهد.^{۱۹}

یکی از بهترین آثار بی‌چی‌تر که نماینده اوج تصویرنگاری عصر جهانگیر است و باینکه ۶۵ سال پس از آوردن نقاشان ایرانی توسط همایون اجرا شده آثار نفوذ ایران در آن کاملاً محسوس است، تصویری است از یک روحانی باهاله نور که گوئی در دست دارد و بالای گوی تاج است و روی آن نوشته شده: کلید فتح دو عالم بدست تست مسلم، این اثر به مجموعه چستریبتی^{۲۰} تعلق دارد.



نقاشی از روی زیباییهای طبیعت از خصوصیات مکتب هنری باری هند است. این گل رنگس و پروانه در سال ۱۰۳۰ (۱۶۲۰) در عصر جهانگیر توسط محمد نادر سمرقندی کشیده شد و دارای امضای اصیل وی است. محمدنادر در کشیدن صورت مهارت داشت و بیشتر در عصر شاه جهان درخشش داشت اما در عصر جهانگیر از آسیای مرکزی به هند آمد و جهانگیری لقب دیگر وی است. این نقاشی به مجموعه سرکاوس جی جهانگیر تعلق دارد. برای مطالعه درباره سبک خاص نقاشان باری در رسم گل‌ها نگاه کنید به:

N.C. Mehta, Studies in Indian Painting Bombay 1926.



۱۶ - در کاتالک مورخ مارچ ۱۹۷۳
سوت‌بای ۳ اثر ازین هنرمند (هاشم نمیرهاشم)
معرفی شده یکی شماره ۲ که تصویر شاهزاده
جوانی است و دیگری شماره ۲۱ که صحنه ملاقات
شاهزاده خانمی است با شاهزاده‌ای و زاهدی
در شب (حدود اجرا ۱۰۸۹ - ۱۰۶۹ - ۱۶۸۰ -
۱۶۶۰) و یکی شماره ۳۲ آتشیازی خانم‌ها
(که آنهم بامضای هاشم است) و حدود اجرا اول
قرن ۱۸ میلادی ذکر شده است در مرقع گلشن
شماره‌های ۱۲ و ۴۹ و ۵۰ متعلق باین هنرمند
(هاشم) می‌باشند شماره ۱۲ عبارت است از تصویر
جهانگیر در سن پیری همراه با دو فرزندش
شاهجهان و شاهشجاع سیاه‌قلم که در آن این بیت
شعر نیز قید شده است:

ای شاه دین‌پناه توئی قبله‌گاه من

پیری من و پناه من و پادشاه من

اثر هاشم یا میرهاشم (که از وی آثار کمی بنا
رسیده است خانم‌گدار آثار ایران سال ۱۹۳۷).

شماره ۴۹ پرتره‌ی مه‌بخت‌خان و سردار
معروف بابریان است.

دو تصویری از وی در موزه بریتانیا هست

Court Painters of Grand Moguls

P. XX و بررسی‌براون شماره ۵۸ و نیز شماره
Marteux et Vener, Miniature ۱۶۵

Persian. روی سیر مه‌بخت‌خان تصویر شیرو

خورشید دیده می‌شود.

شماره ۵۰ تصویر حکیم مومن است که
در عهد جهانگیر از شیراز به خدمت مه‌بخت‌خان
رسید و حکیم مخصوص شاه شد این دو شماره
(۴۹ و ۵۰) روبروی هم بوده‌اند.

شماره ۷۰ سه زن درباری بابریان را نشان

می‌دهد.

شاهزاده‌ای در حال تماشای رقص، مینیاتوری است به سبک کاملاً ایرانی که در آخرین سالهای قرن ۱۶ (اوایل پادشاهی شاه عباس در ایران)
در دکن تهیه شده، صورتها، لباسها، فرش زیر پای شاهزاده و ترکیب کلی نقاشی است فقط دیوار قرمز بالای صحنه و منظره تپه و درختها
که کوچکتر نشان داده شده، حامل نفوذ سبک‌های بومی و اروپائی است. در دکن یک شیرین‌خسرو نظامی تهیه شده که اکنون در کتابخانه
خدا بخش نگهداری می‌شود نقاشیهای این کتاب نیز کاملاً ایرانی است و تصور می‌شود که توسط یک هنرمند ایرانی برای ابراهیم قطب‌شاه
گنکنده تهیه شده، تاریخ پایان کتاب سال ۹۸۰ (۱۵۷۱) است. نقاشی بالا به خانواده جهانگیر در بمبئی تعلق دارد نگاه کنید به صفحه ۴۴
کاتالک این مجموعه بقلم هنرشناسان خاندان والاو موتی چندرا.



ابراهیم عادلشاه، پادشاه دکن که پایتخت وی بیجاپور بوده است وی و همه پادشاهان عادلشاهی بیجاپور با صفویه متحد بودند و تا این اتحاد و قدرت صفویه برقرار بود، عادلشاهیان استقلال داشتند و سرانجام در عهد اورنگ زیب درهند و جانشینان شاهعباس در ایران منقرض شدند. درین عصر عده‌ای از هنرمندان ایرانی نیز در دربار عادلشاهیان بسر می‌بردند که یکی از ایشان فرخ‌بیک بود. وی تصاویر دیگری نیز ازین پادشاه کشیده است که بهترین آنها در مرقع گلشن کاخ گلستان تهران نگهداری می‌شود. نقاشی بالا به آکادمی علوم شوروی در لنینگراد تعلق دارد.

بهترین کار وی نقش يك گوزن است که جزو مجموعه چستر بیٹی است^{۲۲}، تاحدودی که این کارهای وی با کارهای نقاشان بزرگ عهد جهانگیر قابل مطابقت و مقایسه است. وی در نقاشی حاشیه نیز استاد بوده است و برخی از کارهای وی را در حاشیه مرقع جهانگیر اردشیر می‌توان دید.^{۲۳} نقاش دیگر حیوانات عنایت بوده است که دو اثر وی در اکبرنامه چستر بیٹی هست وی پرتره‌ای نیز از يك گوزن هیمالیائی دارد که امروز ضمیمه مرقع موزه کنزینکتن است.^{۲۴}

استاد حسین نقاش دیگر عهد اکبری است که در حاشیه آلبوم جهانگیر اردشیر شکل حیوانات را کشیده است وی که در نقاشی حیوانات و مرغان تخصص داشته دو اثر نیز در انوار سهیلی موزه بریتانیا دارد که شورای حیوانات و مرغان را مجسم می‌سازد.^{۲۵} مرغان به بهترین وجهی ترسیم شده‌اند همانند کارهای منصور و بهمین دلیل وی نیز دومین نفر بود که پس از منصور لقب نقاش داشت.

نقاش دیگر که در ترسیم شکل حیوانات تخصص داشت غلام بود که تصویر فیلی را کشیده است که مست شده و شاهزاده مراد در پشت وی نشسته است این نقاشی در موزه کلکته است.^{۲۶} در انوار سهیلی موزه بریتانیا از این نقاش چهار اثر می‌بینیم با امضای میرزا غلام.^{۲۷}

- ۵۱ -

آفانت نیز از نقاشان مکتب اکبری بود که ۵ مجلس از انوار سهیلی موزه بریتانیا را تهیه کرد^{۲۸} در عیار دانش چستر بیٹی نیز دو اثر از وی هست.^{۲۹} بعنوان آخرین اما نه در درجه آخر، اکنون بنام نقاشی می‌رسیم که در کار و حرفه خود بی‌ظنیر بوده است اما نا شناخته Blochet: Musalman Painting.

۱۷ - شماره ۱۹۳ از

- ۵۰ -

پدرت Padarath نقاش دیگر مکتب اکبری است که در عصر جهانگیر به منتهای حد شهرت و محبوبیت رسید، مهارت وی در کشیدن شکل حیوانات بود که نمونه کارهای وی را در انوار سهیلی می‌توان دید، این کتاب را وی با همکاری دارمداس و چند نقاش دیگر عهد اکبر بیابان رسانید و مصور ساخت. تصویری نیز از يك شیر و نگهبانش کشیده است که امروز متعلق به آلبوم جهانگیر موزه کنزینکتن است.^{۳۱}

۱۸ - شماره ۱۷ از

The Court Painters of the Grand Moguls Binyon.

۱۹ - در کاتالگ سوت‌بای مورخ مارچ

۷۳ سه‌اثر ازین هنرمند معرفی شده: شماره ۲۰:

تصویر شاهزاده‌ای جوان با معلمش. شماره ۲۷:

تصویر شاهجهان است که جواهر از صندوقی

که خلیل‌الله‌خان نگهداشته برمی‌دارند. خلیل‌الله

خان سردار شاهجهان و اورنگ زیب است، در

شماره ۱۹۵ I. R. Martin نقاشی مینیاتور

ایران و هند کپی لندن ۱۹۱۲ شماره ۳۰ تصویر

عزت‌الله‌خان است با افسران و روحانیان و شماره

۱۸۸ مارتین و ص ۶۶ ارنولد و چستر بیٹی

Catalogue of Indian Miniature.

Oxford 1936. در کاتالگ مورخ جولای

۷۳ سوت‌بای فقط پرتره تربیت‌خان هست که

حاشیه آن کار پدارت می‌باشد. در مرقع گلشن

ازین هنرمند چهار اثر هست:

شماره ۲۱ که يك نقاشی سیاه‌قلم است

و مرد جوانی را نشان می‌دهد، بعدها بعضی

قسمتهای آنرا رنگ زده‌اند (سال اجرا حدود

۱۰۴۵ = ۱۶۳۵) با امضای عمل پچیتر. شماره

۶۲ که پرتره يك بانو است با امضا، شماره‌های

۷۷ و ۱۰۷ پرتره‌های بابر و شاه‌شجاع است.

۲۰ - سال اجرا ۱۶۲۰ و شماره آن

در مجموعه چستر بیٹی (MS. 7. pol 14) میباشد.

نگاه کنید به ص ۶۱ کاسکی، این نقاشی حامل

امضای صریح هنرمند است بخط نستعلیق: بنده

درگاه پچیتر.

۲۱ - در Indian Drawings از کلارک

شماره ۱۲.

۲۲ - در جلد سوم Library of Chester

Beatty شماره ۵۳ رنگی چاپ شده است.

۲۳ - تحت شماره ۸ در مجله رکها جلد

دوم شماره ۳ و نیز کاتالگ سوت‌بای لندن.

۲۴ - در Indian Drawing کلارک

تحت شماره ۱۳.

۲۵ - در Light of Canopus شماره‌های

XIX, XVI

۲۶ - در Indian Painting Under

پرسی براون شماره ۵۴.

۲۷ - هر چهار فقره در Light of

Canopus گراور شده‌اند.

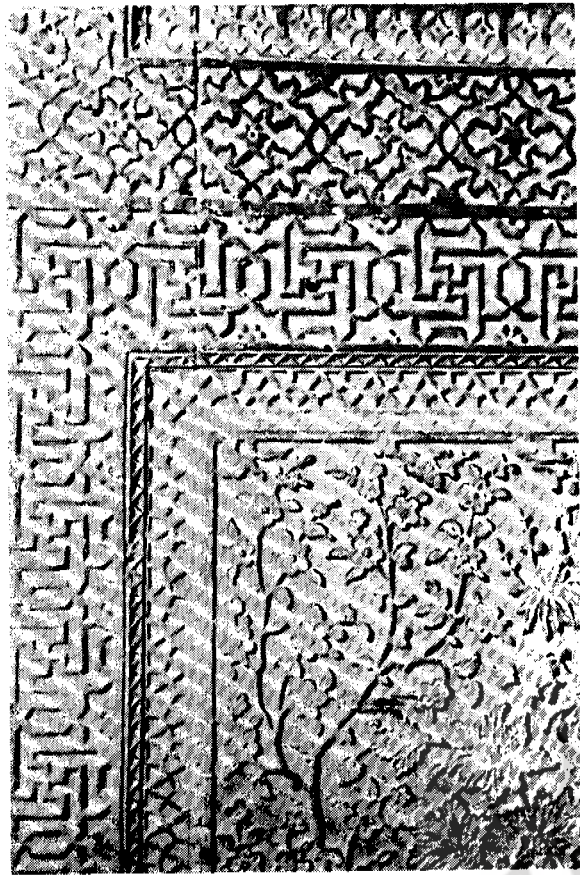
۲۸ - همه این پنج مجلس را می‌توان در

Light of Canopus مشاهده کرد.

۲۹ - یکی از آنها در جلد سوم شماره ۴۶

از مجموعه Library of Chester Beatty

چاپ شده است.



درفتچورسیگری اکبر کوش داشت که معماری جدیدی از تلفیق معماری هندی و ترک و ایرانی بوجود بیاورد، درینجا کاشیکاری بندرت دیده می‌شود اما کنده‌کاری روی سنگ با نقوش هندسی مستقیم و منحنی بسیار است، شاید به علت رطوبت زیاد و فقدان خاک و رنگ مناسب، کاشی سازی بسبک ایران در هند امکان‌پذیر نبود و سنگ‌کاری و کنده‌کاری روی سنگ جای آنرا گرفت، در بناهای عصر همایون بیش از هر زمان دیگر کاشی بکار رفته است.

می‌بینیم که سوار براسب است و بیابانهای راجستان را طی می‌کند، این کار با اینکه از قرن ۱۸ به‌جای مانده و به‌سبک راجستانی است، اثرات نقاشی اصیل ایرانی در آن هنوز نمودار است و تنها چیزی که آنرا بکلی از مکتب‌های صفوی و بابری متمایز می‌سازد، زمینه آنست که بکلی خالی است و فقط در جلو صحنه اشکالی بشکل تپه‌های مینیاتوری دیده می‌شود. اصل نقاشی به‌مه‌اراجه الوار تعلق دارد.^{۳۱}

- ۵۲ -

وجود نقاشی‌های مکتب بابری هند گاهگاهی از لحاظ روشن‌ساختن وقایع مهم تاریخی در روابط ایران و هند مغتتم و پیرارزش است، یکی از نکات دقیق در روابط ایران و هند مسئله تخت طاوس

خانه‌زاد دربار جهانگیر بودند و متأسفانه از دو نفر دوم و سوم عبد و علی‌رضا آثار بسیار کمی بما رسیده است. از علیرضا در هیچ‌جای دیگر اثری دیده نمی‌شود. هنرمند دیگر از نقاشان مکتب بابری که توسط اردشیر معرفی نشده اما اثری از وی در مجله رک‌ها به‌چاپ رسیده دال چند است که بواسطه مشابهت نامش با بالچند، در بدو امر به‌نظر می‌رسد که وی نیز از نقاشان عصر اکبر و جهانگیر است.^{۳۰} در مجموعه اردشیر از این هنرمند اثری هست که جنگ دو فیل را نشان می‌دهد و متعلق به هیچ‌یک از دو مرقع اردشیر نیست و از وی کار جالبی نیز در ص ۵۳ کتاب کاسکنی به‌چاپ رسیده است که از لحاظ تحقیق ما اهمیت دارد اگر چه زمانش بسی با زمانهای مورد بحث درین گفتار متفاوت است، درین کار حمیده بانو همسر همایون را

و گمنام. این علیرضا است که مانند چند نفر دیگر از گروه نقاشان مکتب بابری خانه‌زاد بوده است.

در مجموعه اردشیر دو اثر از وی وجود داشت یکی نقش یک درباری است که قلیان می‌کشد و دو خادم نیز در کنارش ایستاده‌اند، کاری است با دقت و غنای غیر قابل وصف، پرتوهای دیگر نیز در مجموعه جهانگیر از وی هست. آن اولی دارای امضای: مشقه خانه‌زاد علی‌رضا می‌باشد با احتمال قوی این علی‌رضا نیز از برادران ابوالحسن و عبد است که در سنین جوانی ناکام از دنیا رفته است. باین ترتیب می‌توان گفت که در پایان کار خانواده هنرمند عصر بابریان هند را یافته‌ایم:

آقا رضای هراتی یا جهانگیری و سه پسرش ابوالحسن نادر الزمان بزرگترین نقاش این دوران، عبد و علی‌رضا که هر سه

می‌باشد، که باینکه بدلائل بسیار واضح و آشکار قابل حل می‌باشد کوشی شده است که حل نشده بماند و یا تحریف گردد، درهند تقریباً در همه مدارك و اسناد تخت طاوس کنونی ایران را همان تخت طاوس شاهجهانی می‌دانند که توسط نادر بایران آورده شده است. مهمترین سند برای رد این ادعا بررسی دو تخت و مقایسه تخت کنونی با تخت ساخت شاه جهان است که ملا عبدالمجید لاهوری در پادشاهنامه خود آنرا کاملاً معرفی می‌کند و می‌نویسد که در نوروز سال ۱۰۴۴ (۱۶۳۵) شاهجهان برای نخستین بار بروی تخت طاوس نشست. وی سخن خود را باین سه سطر شعر آغاز می‌کند:

باد شبگری نسیم آورد باز از نوبهار
ایر نروزی علم افراخت باز از کوهسار
آن چو پیکان بشارت برشتابان در هوا
وین چو پیلان جواهر کش خرامان در قطار
که معطر خاک دشت از باد کافوری نسیم
که مرصع سنگ کوه از ابر مرواریدبار
سپس بشرح ساخته شدن تخت می‌پردازد
و وزن و بها و ابعاد تخت را ذکر می‌کند:
وزن و بها: پنجاه هزار مثقال جواهر

با ارزش ۸۶ لك روپیه (هرلك مساوی یکصد هزار است) و دو صد و پنجاه هزار مثقال طلای ناب بارزش چهارده لك روپیه یعنی وزن طلا و جواهرات آن بشتهائی ۵۰۰ من تبریز بوده است.

ابعاد: سه گز و ربعی طول، دو نیم گز عرض، ارتفاع پنج گز (بیش از ۴ متر) مکعب) این تخت در مدت هفت سال و با هزینه‌ای برابر صد لك روپیه ساخته شد.

سازنده تخت شاعر معروف وزرگر ماهر دربار شاهجهان سعیدای گیلانی بود و تحت عنوان بی‌دلخان داروغه زرگرخانه خاصه شد. دیواره تخت که ۱۲ ترك است از ۱۱ تخته مرصع تشکیل یافته است، يك ترك آن مدخل تخت است و روبروی این مدخل محلی است که شاه بر آن تکیه می‌زند و در این قطعه لعلی نصب شده که شاه عباس برای جهانگیر فرستاده بوده

۳۰ - تصویر شماره ۲ مجله رکهاج ۲
نمره ۳.
۳۱ - حمیده بانو بدون اینکه زنی معروف چون نورهان و ممتازبانو، در تاریخ جاویدان

تیموری درخشش داشته باشد، از لحاظ روایت ایران و هند در عصر بایریان چهره‌ای است بسیار مهم، زیرا وجود این زن بود که دربار مغولی ترك زبان را به دربار ایرانی پارسی‌زبان مبدل ساخت. وی در معیت شوهر، بدون همراه بردن اکبر که تازه بدنیا آمده بود و گلبدن خواهر همایون بایران رفت، در اکبرنامه صحنه ملاقات مجدد اکبر خردسال را با پدر و مادرش همایون و حمیده ترسیم کرده‌اند، این ورق از اکبرنامه اکنون به گالری فریر تعلق دارد و کاسگنی آنرا در ص ۶۳ کتاب خود گراور کرده است، نکته جالب در این نقاشی یکی وجود همایون بعنوان تنها مرد در جرگه‌ای از بیست زن است که همه قیافه‌ای ایرانی دارند و صورتشان باز ولی بدنها کاملاً پوشیده است. اکبر را نیز بشکل و هیئت ایام سلطنت اما بمقیاس کوچکتر کشیده‌اند. نقاشی دیگر که حمیده بانو را نشان می‌دهد در کتاب تاریخ خاندان تیموری است که به کتابخانه خدا بخش تعلق دارد، درینجا که مجلس عروسی است صورت حمیده با يك حجاب پوشیده شده است. طبق نوشته گلبدن با وجود اصرار فراوان همایون حمیده حاضر نشد که پیش از عروسی صورتش را به همایون نشان بدهد و همیشه عذر می‌آورد که اینکار گناه است. این نقاشی در مقاله اینجانب تحت عنوان گلبدن و کتایش در ص ۴۵ مجله هنر و مردم شماره ۸۵ گراور شده است.



صحنه عاشقانه. در هند بواسطه وجود کنده کاریهای خاجوراهو و کنارك توجه بصحنه‌های عاشقانه زودتر از ایران آغاز شد و نقاشان هندی درین راه از ایرانیان خوش ذوق‌تر بودند این نمونه ازین نوع کار است که در اوایل قرن یازدهم توسط گواردهان کشیده شد، مجموعه الیس وناسلی در نیویورک.



است و در روی آن نام امیر تیمور و اسامی چند تن از فرزندان وی کنده شده بوده است و شاه عباس نیز نام خود را بدان افزوده، شاه جهان پس از کندن نام خود برین قطعه لعل، فرمان داد که آنرا درین محل نصب کنند، بدستور شاه یک قطعه مثنوی را که بیست سطر است و توسط حاجی محمد خان قدسی سروده شده و حاوی ماده تاریخ تخت است به مینای سردر درونی تخت کتابت نموده اند که سطر اول و آخر آن اینست:

زهی فرخنده تخت پادشاهی
که شد سامان بتأیید الهی
چو تاریخش زبان پرسید از دل
بگفت اورنگ شاهنشاه عادل^{۳۲}

ازین سند بهتر وجود نقاشی های متعدد از تخت طاوس است که یکی از بهترین آنها اکنون در موزه متروپلیتن نیویورک محفوظ است و توسط نادرالزمان تهیه شده است. یکی هم تصویری است که نیمرخ شاه جهان را که بر روی تخت نشسته نشان می دهد و به موزه ویکتوریا و آلبرت لندن تعلق دارد ولی اثری از طاوسهای دوگانه که در پادشاهنامه بدان اشاره شده در آن نیست و قسمتی از آن هم درعکس نیامده. پرسی براون در کتاب خود این را هم تخت طاوس می داند.

مرحوم اردشیر خود یک نقاشی داشته است که در سال سیزدهم سلطنت شاه جهان توسط عبد برادر نادرالزمان تهیه

شده بوده است و هنرمند خود در گوشه آن نوشته که دو سال صرف تهیه آن کرده ام. در میان یادداشتهای وی عکسی هم از یک تصویر تخت طاوس وجود دارد که گویا اصل آن متعلق بیک هنرشناس و هنردوست هندی بوده و فروخته شده و اکنون نمی دانیم در کجاست، در اینجا شاه جهان بر روی تخت نشسته و چهل و پنج نفر دیگر در اطراف تخت گرد آمده اند، چهار پسر وی که پشت سرش ایستاده اند بخوبی دیده می شوند، در اینجا در بالای سر تخت نقش دو طاوس هست اما از درختی که بنا بر نوشته پادشاهنامه از جواهر تعبیه شده و مرصع بدلعل و الماس و زمرد و مروارید بوده اثری نیست اما ۱۲ ضلع و دوازده ستون تخت کاملاً قابل تشخیص است.

۳۲ - پادشاهنامه از ملا عبدالمجید لاهوری متوفی ۱۰۶۵ باهتام اشیا بیک سوسیستی بنگاله بد تصحیح مولوی کبیرالدین و مولوی عبدالرحیم کلکنه ۱۸۶۷، کالج پریس ج دوم ص ۸۰-۷۷. در سیر المتأخرین طبع لک نهو می نویسد که قطعه لعل یادگاری شاه عباس را که برای جهانگیر فرستاده شده بود، جهانگیر در ازای فتح دکن به فرزندش شاه جهان داد و وزن آن دوازده مثقال بود و بدالغی یک تعلق داشت که وی بدخط نسخ بر آن کنده بود (الغیب بک بن میرزا شاهرخ بهادر بن امیر تیمور گورکان) شاه عباس بدخط نستعلیق بدان افزود: (بنده شاه ولایت عباس) جهانگیر نام خود و پدرش اکبر را بدان اضافه کرد و شاه جهان پس از افزودن نام خود، آنرا در صدر تخت نصب کرده شاه جهان در بازگشت از سفر کشمیر در دارالخلافه اکبرآباد (آگره)

روز جمعه سوم شوال که مقارن با عید فطر بود بر آن جلوس کرد و چون فرزندش داراشکوه و سلیمان شکوه نیز در همان ایام تولد یافته بود کلیم کاشانی ملک الشعرای دربار قصیده ای ساخت باین مضمون:

خجسته مقدم نوروز و غره شوال
فتشاندند چه گلهای عیش بر سر سال
بچشم مردم دارالخلافه عید نویست
غبار موکب شاه جهان جهان جلال
شرف پذیرد نوروز در چنین عیدی
که پادشاه نشیند به تخت استقلال
بوصف تخت مرصع گهر فشان گشتم
خدا نصیب کند عمر خضر و طول مقال
هزار سیلان یاقوت و صد بدخشان لعل
برو نمای گرفتست تا نمود جمال
توان ز آتش یاقوت آن چراغ افروخت
که نه زیاد رسد آفتش نه ز آب زلال
فناد پرتو یاقوت و لعل بر الماس
چنانکه عکس چراغان فتد بر آب زلال
بها ندارد دیگر هر آنچه خواهی هست
ز شان شوکت و فرو شکوه و جاه و جلال

کلیم در ازای این قصیده هم وزن خود یعنی پنجاه اروپا نقد روپیه صله گرفت. صاحب سیر المتأخرین این فصل را با این جمله به پایان می رساند:

«تختی بدان قیمت و زیبایی در هیچ زمانی و عصری کسی ندیده و نشنیده».

بطوری که ملاحظه شد، این تخت در آگره (اکبرآباد) ساخته و پرداخته شد و انتقال آن به دهلی نیز بدون قطعه قطعه کردن امکان نداشت. بنابراین با احتمال قریب به یقین نادر که به آگره ز رفت اصولاً این تخت را ندید، چه رسد باینکه آنرا به ایران بیاورد. نگاه کنید به سرزمین هند استاد حکمت ص ۱۳۷ و تحقیقات یحیی ذکاء درباره تخت طاوس.



نقش نیم تخته اطلس گلدوزی شده متعلق به عصر سلطنت جهانگیر که در هند تهیه شده اما طراحی آن بخصوص صحنه شکار آهو توسط پلنگ و لک لکها ایرانی است و از آن جمله هنرها محسوب می شود که نورجهان بدان توجه و علاقمندی خاص داشت، این هنر در هند بسیار ترقی کرد و به اوج رسید، این نیم تخته به موزه ویکتوریا و آلبرت لندن تعلق دارد.